

الکرراکی رنسانسی برای مربیان داخلی

ایمان شیرازی

روژنامه نگار

ولید رکراکی سرمربی مراکش، به اولین مربی آفریقایی تبدیل شده است که تیمش را با شکست دادن اسپانیا در ضربات پنالتی، به مرحله

یک چهارم نهایی جام جهانی رساند. این اتفاق در حالی رخ داد که او فقط سه ماه قبل هدایت مراکش‌ها را بر عهده گرفت. پس از اینکه وحید هلیل‌هودزیچ، مربی قبلی این تیم به دلیل «اختلاف عقاید» با فدراسیون فوتبال این کشور اخراج شد، رکراکی

در شرایطی آشفته روی نیمکت این تیم نشست. شیرهای اطلس زیر نظر رکراکی شکست‌ناپذیر بودند و در هفت بازی تنها یک گل خوردند. «گل به خودی مقابل کانادا» و یک برد مقابل پرتغال، مراکش را به اولین تیم آفریقایی تبدیل می‌کند که به

نیمه‌نهایی می‌رسد؛ پیشی گرفتن از تیم کامرون ۱۹۹۰، سنگال در سال ۲۰۰۲ و غنا در سال ۲۰۱۰. این مربی ۴۷ ساله در مورد ایجاد زمینه جدید برای استفاده از مربی آفریقایی یا عرب گفت: «اگر باور داشته باشید، می‌توانید آن را انجام دهید، می‌توانید،

اگر نه، نه! این قضیه ربطی به عرب بودن یا نبودن ندارد. من برای آن جنگیدم. شاید وقتی پیر شدم به آن افتخار کنم، اما در حال حاضر فقط به حضور کشورم در این مرحله افتخار می‌کنم و داشتن یک مربی داخلی، بهترین چیز برای من و کشورم است.»

بازگشت به تنظیمات کارخانه

هومن جعفری

روژنامه نگار

اینها را نوشتیم تا یادتان باشد با چیزی طرفید که اسمش نبرد دشمنان سابق است. نبرد برای بقا. اینجا دیگر دوستی و مودت کافی نیست. یکی باید خنجرش را در گلو طرف مقابل وارد کند و به مرحله بعدی برسد. حالا یک مقدار دوستی ورزشی و این چیزها را هم بریزید داخل میدان مسابقه اما تماشاگران دوآتشه تیم از این چیزها حالیشان نیست. آنها سنتی دو طرف است و هر دو کشور برای طرف مقابل لقب‌هایی برای تحقیر دارند. انگلیسی‌ها برای فرانسوی‌ها لقب قورباغه‌خورها دارند. حقیقتش نمی‌دانم لقب طرف مقابل چیست؛ در صد سال اخیر اوضاع سیاسی اقتصادی بین دو کشور تغییر کرده. دو کشور در دو جنگ جهانی شریک و متحد بوده‌اند، در ناتو با هم عضویت دارند و در یورو نیز قبلاً با هم هم‌سازمان بودند تا اینکه طوفان برگزیت رسید و انگلیسی‌ها از کشتی اتحادیه مشترک اروپا خارج شدند. همه

سنت علیه مدرنیته

علم بهتر است یا ثروت؟

سعید آقایی

روژنامه نگار

این شاید یکی از کلاسیک‌ترین یک چهارم‌های تاریخ جام جهانی باشد. نبردی به وسعت تاریخ، آنجا که فرانسه و انگلیس رویه‌روی هم می‌ایستند. مبارزه‌ای میان سنت و مدرنیته. شیر مقابل خروس! انگلیسی‌ها خود را مالک فوتبال می‌دانند. صاحبان پرافاده و غرور دنیای فوتبال که به اندازه ادعایشان در فوتبال به جایی نرسیده‌اند. یک قهرمانی جام جهانی در سال ۱۹۶۶ تنها دستاورد سه‌شیرها از بزرگ‌ترین ایونت تاریخ بوده. آنها در تمام این سال‌ها پشت یک پارادوکس بزرگ همیشه حیران و سرگردان مانده‌اند؛ تیم ملی یا باشگاه؟ اگر در مالکیت انگلیس بر فوتبال تشکیک وجود دارد و بسیاری مبدع فوتبال را هیچ‌وقت به حساب نمی‌آورند، در اینکه لیگ برتر بهترین لیگ باشگاهی دنیاست سر سوزنی تردید وجود ندارد. لیگی که با فاصله از هر مدتهای خود

بازی بزرگ را کدام تیم می‌برد؟

سینا فتوت

روژنامه نگار

فرانسه - انگلیس قرار است یکی از زیباترین بازی‌های این دوره شود. همچنین قرار است یکی از به یادماندنی‌ترین مسابقات تاریخ رویارویی این دو کشور هم باشد. چرا اینقدر مطمئنم؟ چون می‌دانم که هر دو تیم قرار است تا پای جان تکنیک و تاکتیک خرج کنند. یک سمت میدان فرانسه است. تیمی که آخرین بار در روسیه قهرمان شد و حالا آماده است تا از عنوان قهرمانی خود دفاع کند. از همان بازی اول مشخص بود آنها جذاب‌ترین و آماده‌ترین مدعی قهرمانی امسال

هستند. انگلیس هم شروع بسیار مطلوبی در جام جهانی امسال داشت که از بخت بد، برای ما تلخ‌ترین خاطره ملی است! انگلیسی‌ها در بهترین وضعیت دفاعی به مصاف فرانسه در بهترین وضعیت تهاجمی می‌روند. بهترین آنالیزورهای دنیا این بازی را برای دو طرف بررسی کرده‌اند. فن و بدلی نیست که طرفین به هم نزنند. این بازی شطرنجی است که هر دو طرف، بهترین مهره‌های لازم را برای موفقیت در آن دارند. چه شبی است برای فوتبال. بنشینیم و حالش را ببریم و خیلی چیزها را برای دو ساعت فراموش کنیم. چه دوساعتی و چه افیون لذتبخشی! برنده این بازی بزرگ از نگاه شما کدام است؟

جنگ نیمکت‌ها

آیسان سعیدی

روژنامه نگار

سروش‌ت بازی‌های روز دوم

کارگردانان اصلی نمایش جذاب امشب هستند و اندیشه‌ها و انگاره‌های آنها تیم پیروز را مشخص می‌کند.

از مستطیل سبز اندکی دورتر ببریم و کناره‌های زمین را بنگریم، اهمیت مردان لب خط را در می‌یابیم. آنها که در پشت پرده

مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، اگرچه با طناری ستاره‌ها و تردستی آنها مشخص خواهد شد، اما اگر نگاه‌مان را

گرت ساوت‌گیت

1

یک انگلیسی تمام‌عیار که بدون دانستن نامش می‌توان از چهره، استایل و البته پوشش او دریافت که یک آنگلو-ساکسون اصیل است. ساوت‌گیت البته در فوتبال انگلیس چهره محبوبی نیست و همیشه زیر تازیانه وحشتناک انتقادات رسانه‌ها و هواداران قرار دارد اما عملکرد او از تمامی هم‌سلفان نامدارش روی نیمکت انگلیس بهتر بوده، از اریکسون گرفته تا کاپلو، هرگز نتوانسته‌اند دستاوردهای ساوت‌گیت را در انگلیس داشته باشند چه اگر اینگونه بود، هرگز نوبت به این مدافع سابق تیم ملی انگلیس نمی‌رسید. انگلیس ساوت‌گیت در قطر ترسناک و هیجان‌انگیز بوده اما منتقدانش بر این باورند که هنوز به سد سکندر نخورده. فرانسه قلدر و مدعی بزرگ‌ترین آزمون ساوت‌گیت و تیمش محسوب می‌شود، آنها اگر از سد قهرمان پرستاره عبور کنند، قطعاً به جام چشمک خواهند زد.

دیدیه دشان

2

هافبک طراح سابق تیم ملی فرانسه که با بازوبند کاپیتانی در میانه میدان خروس‌ها تیمش را رهبری می‌کرد، حالا این نقش را روی نیمکت بازی می‌کند. شخصیت دشان به هنگام بازیگری به گونه‌ای بود که می‌شد حدس زد که او بعد از آویختن کش‌ها خیلی زود به نیمکت تیم ملی فرانسه خواهد رسید. دشان در تیم ملی عملکردی همچون دوره بازیگری‌اش داشته و ۴ سال پیش در روسیه برای بار دوم جام را به فرانسه هدیه کرد. در این دوره نیز فرانسه دشان یک تیم وحشی و ترسناک است اما سرمربی خروس‌ها در تمام دوران حضورش روی نیمکت تیم ملی هرگز هم اندازه کیفیت و دستاوردهایش قدر ندیده و همیشه شمشیر داموکلوس برکناری بالای سرش بوده. دشان اگر این دوره به جام برسد برای همیشه دهان منتقدانش را خواهد بست.

فرناندو سانتوس

3

بی‌تردید موفق‌ترین سرمربی چند سال اخیر پرتغال اوست. مردی که پرتغال را قهرمان یورو کرد و از یک تیم سینوسی و پرنوسان یک تیم بانبات و مدعی ساخته. سانتوس اما همیشه این موفقیت‌ها را با ابرستاره‌ای همچون کریس رونالدو شریک بوده و منتقدان نقش رونالدو را در این توفیقات بیشتر از اندیشه‌های سانتوس می‌دانند. در قطر اما غروب رونالدو و افت وی سبب شده تا سانتوس ثابت کند تمامی این انتقادات اعتباری نداشته. او برای نخستین بار کاپیتان کهنه‌کار تیمش را از ترکیب اصلی کنار گذاشت و تیمش نمایشی درخشان و قهرمانانه در برابر سوئیس داشت. هر چند که همین نیمکت‌نشینی کریس بدل به حاشیه‌ای جدید برای تیمش شد. سانتوس اگر تیمش را به جمع ۴ تیم پایانی جام برساند، چمدان دستاوردهایش در تیم ملی پرتغال سنگین‌تر خواهد شد.

ولیدالکرراکی

4

ستاره نیمکت جام ۲۰۲۲ بدون تردید اوست. یک مربی گمنام و ناشناس که در مراکش شاهکاری تاریخی رقم زده، وقتی چند ماه مانده به جام جهانی فدراسیون فوتبال مراکش وحید هلیل‌هودزیچ، سرشناس را برکنار کرد و تیم ملی را به الکرراکی سپرد، هیچکس تصور نمی‌کرد این بازیکن سابق تیم ملی مراکش بتواند با تیم ملی کشورش چنین شاهکاری در قطر خلق کند. اما الکرراکی بدون ادعا و در سکوت کار کرد تا تیم ملی کشورش در قطر انگشت نمای خاص و عام شود و همه به احترامش کلاه از سر بردارند. او در گروهی که بلژیک و کرواسی مدعی حضور داشتند، صدرنشین شد و سپس اسپانیای پرادعا را کنار زد و به یک چهارم رسید. الکرراکی اگر مراکش را به جمع ۴ تیم پایانی ببرد و طلسم تاریخی قاره آفریقا را بشکند، باید مجسمه‌اش را در میدان مرکزی مغرب نصب کنند.



بدل به یک ستاره می‌شوند. ستاره‌هایی که ثمن بخس خریداری شده‌اند اما به وقت چهره شدن کرور کرور پول و منفعت و سود اقتصادی نصیب باشگاه‌های خود می‌کنند. در حوزه مربی نیز لیگ فرانسه خاستگاه مربیان بااستعداد از خود فرانسه گرفته تا گوشه گوشه دنیا بوده که در لیگ آبدیده شده و برای خود نامی دست و پا می‌کنند و بدل به یک ستاره روی نیمکت می‌شوند. این فرمول اگرچه چند سالی است که توسط پاری‌سن‌ژرمن و به لطف دلارهای نفتی شیخ‌های قطری بر هم خورده و پایتخت‌نشینان این موازنه را بر هم زده‌اند اما اگر پارسی‌ها را کنار بگذاریم، لیگ فرانسه به همان اصل خود بازمی‌گردد؛ تولید و ساختن. تیم‌های ملی انگلیس و فرانسه البته که کمتر نشانی از لیگ‌های خود دارند اما در کنه این دو تیم می‌توان تقابل دو سبک متفاوت و دو دکتربین‌مایلر را به نظاره نشست؛ علم برابر ثروت. به نظر شما برتری با کدام است؟

همیشه مقابل تیم‌های باشگاهی جزیره دچار یک ضعف تاریخی باشد و در تیم ملی انگلیس شاهد آن پیوستگی و اتحاد معمول تیم‌های ملی نباشیم چه آنکه این تفکر در ذهنیت بازیکنان تیم ملی نیز نهادینه شده که باشگاه حتی اگر از تیم ملی مهمتر نباشد، کمتر هم نیست. در فرانسه اما اوضاع کاملاً متفاوت است. لوشامپیونا نقش یک مولد را در فوتبال انگلیس دارد. لیگی که اگرچه از منظر قدرت، ثروت، کیفیت، ستاره و... به پای لیگ برتر نمی‌رسد و جزو بیگ‌فور نیست اما متفاوت از تمامی لیگ‌های اروپاست. لیگی که نقش اصلی آن تولید است؛ چه تولید در حوزه بازیکن و چه در حوزه مربی. باشگاه‌های فرانسوی در طول سالیان طولانی مأمنی برای بازیکنان گمنام آفریقایی بوده. آنها که در ازای جای خواب و غذای گرم رنج هجرت به اروپا را به جان می‌خرند و در لیگ‌های پایین‌تر استخدام می‌شوند و پله پله بالا می‌آیند و در لوشامپیونا

